مروری برآثاری که در زمینه موسیقی جنگ ساخته شدند

کجایید ای شهیدان خدایی

هوشنگ کامکار، سرپرست گروه کامکار کارهای بسیاری آهنگسازی کرده است اما سرود زیبای «کجایید ای شهیدان خدایی» یکی از آثار ماندگار موسیقی ایران است با صدای بیژن کامکار و آهنگسازی هوشنگ کامکار که به مناسبت سوم خرداد و آزادسازی خرمشهر ساخته شد و بنا به گفته خواننده این اثر «این آهنگ در یک فضا و شرایط خاص در دوران دفاع مقدس و انقلاب ساخته شد و در خاطره‌ها هم ماند و در زمان جنگ در نسخه‌های متعددی توزیع شد. کارهایی که به گفته بیژن کامکار نه سفارشی بود و نه دستوری و تنها جوش و خروش درونی بود. به گفته او، نخستین سرود جنگ را در حالی ساختیم که هنوز مردم جنگ را باور نداشتند.

ممد نبودی...

صدای غلام کویتی‌پور یکی از صداهایی است که با سرود دفاع مقدس گره خورده است. گرچه هنرمندان بسیاری قطعه «ممد نبودی ببینی شهر آزاد گشته خون یارانت پر ثمر گشته» را خوانده‌اند و این شعر خاطره‌انگیز بارها و بارها از رادیو و تلویزیون شنیده شده است اما انگار با صدای غلام کویتی‌پور با آن آشنا شده‌ایم و جواد عزیزی به یاد محمد جهان‌آرا از سرداران نامدار جنگ سرود که زاده خرمشهر و فرمانده سپاه این شهر بود اما بعد از آزادسازی خرمشهر حسین فخری همرزم شهید جهان‌آرا این سرود را نخستین بار بر سر مزارش خواند و بعد از آن کویتی‌پور با بهره‌گیری از فضای نوحه‌های منطقه بوشهر و شروه‌خوانی‌های آن منطقه خواند.

خجسته باد این پیروزی

احمدعلی راغب آهنگسازی است که با قطعه «خجسته باد این پیروزی» گره خورده است. از نام این اثر می‌توان این‌گونه تصور کرد که این سرود به چه مناسبتی ساخته شده است. «خجسته باد این پیروزی» از دیگر آثار ملی و ارزشی است که به سفارش رادیو و به مناسبت آزادسازی خرمشهر در عملیات دفاع مقدس ساخته است. خواننده این کار محمد گلریز است و اشعار آن سروده زنده‌یاد حمید سبزواری. یک مارش نظامی در دستگاه بیات ترک که صبح روز سوم خرداد سال ۶۱، بعد از خبر به یاد ماندنی «خونین‌شهر، شهر خون آزاد شد»، این سرود با مطلع «از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما/ جاودانه شد از فروغ ظفر پگاه ما» برای اولین بار از رادیو پخش شد و تا امروز هم زمزمه می‌شود.

یادداشت

میرعلیرضا میرعلی نقی
مورخ و پژوهشگر تاریخ موسیقی ایران

تأملی کوتاه درباره موسیقی جنگ هشت ساله (۱۳۶۷_۱۳۵۹)

موسیقی دوره جنگ هشت ساله ایران و عراق را باید با توجه به چند موضوع مهم بررسی کرد: ملت ایران، بیش از یک قرن و اندی بود که تجربه جنگ بدین وسعت را در تاریخ خود نداشت و چند سال حضور سربازان بیگانه در دوره جنگ دوم جهانی نیز غریبه‌تر از آنی بود که در خاطره جمعی ما تبلور موسیقایی پیدا کند. جنگ برای ما تازگی داشت و این تازگی خاص خود را تا آخرین سال‌ها حفظ کرد. غیر ازمردم شهرهای مرزنشین درجنوب و غرب، بیشتر مردم ایران، بخصوص شهرهای بزرگ به نحوی مستقیم با جنگ درگیرنبودند بلکه با تبعات اقتصادی و اجتماعی آن درگیر بودند. و این درگیری از نوعی نیست که تبدیل به خلق شکل هنرمندانه موسیقی جنگ، موسیقی به یاد جنگ و بیان احساسات فردی و جمعی نسبت به آن شود. حتی دوران کوتاه موشک باران را نمی‌توان در این مقوله به حساب آورد. آن رعب و وحشت کبود آن قدرادامه پیدا نکرد که تبدیل به تجربه‌ای هنری شود. ازقضا هنگامی که آسمان تهران پرتب و تاب‌ترین دوره صد ساله - و حتی صد وپنجاه ساله- گذشته خود را می گذراند، انبوه موسیقیدانان مقیم مرکزمشغول تجربه‌های فنی و سلوک ذهنی برای بازگشت به موسیقی آرام و پرتزئین و مینیاتوری دوره قاجاریه بودند. این موسیقی روح مردم را تا حدی کرخت می کرد و با تجسم بهشت گمشده‌ای موهوم ، فکرشان را ازواقعیت تلخ جاری منحرف می کرد. موسیقی ظاهراً در شکل هنرمندانه، متعهدانه - البته تعهد به تکرار کلیشه‌های سنتی- اجرا می شد ولی درعمل، بی‌اعتنا به دردناک ترین جنبه‌های حیات تاریخی و اجتماعی ملت ایران بود. اگر در دهه‌های آتی به رپرتوار (مجموعه) نوارهای موسیقی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۷ گوش کنیم، هیچ وقت نمی توانیم حدس بزنیم این موسیقی مربوط به چه دوره ای است و چه حس و حالی را بیان کرده است. انگار این موسیقی قرار نبود چیزی را بیان کند و بازتاب دهد. اگر چه بعید است تا به حال چندان آثار بزرگی برای جنگ نوشته شده باشد. «بزرگ» به معنی این نیست که با ارکستر سمفونیک و گروه کر صد نفره اجرا شود، بلکه بزرگ به معنی سطح والای عناصر زیبایی شناسی دراثرو ترکیب بندی‌های هنرمندانه آن است. آهنگسازانی که این بینش و این توانایی خلاق را داشتند، اصلاً در متن حیات تاریخی- اجتماعی ایرانیان در دهه‌ای که گذشت، حضور نداشتند ومابقی موسیقی‌نوازان نیز وقت‌شان به تکرار و تقلید کلیشه‌های سنت موسیقایی دوره قاجارگذشت. جز در چند مورد استثنایی، موسیقیدان ایرانی، آرام و بی صدا خودش را کنار کشید. چشم و گوش را به وقایع بیرون ازخودش و به حوادث پیرامونش بست و دردنیای خود فرو رفت. دنیایی که به همان نسبت که از بیرون محدودتر می‌شد و بعضاً مورد تحقیر قرار می گرفت از درون کم مایه‌تر، محافظه کارانه‌تر و بسته‌تر می شد.

موسیقی جنگ، طبق تعریف و به واسطه ارتباطی که باید بتواند با عموم ایرانیان برقرار کند، باید موسیقی ای باشد فراگیر و ملی نه بومی/ بدوی و نه مدرن و نخبه پسند. بویژه امروز که ۳۸ سال از پایان جنگ گذشته و موضوعیت تاریخی آن مهم‌تر از آن

به این ترتیب و درارتباط با جنگ که ازاهمیت و قداست خاصی برخورداربود، نوعی شبه تناقض حل ناشدنی پدید آمد. اصل موسیقی اگرحرام نباشد، شبه ناک است ولی موسیقی برای جنگ، چیزخوبی است! برهمین اساس برخی تلاش کردند که موسیقی رزم را از موسیقی بزم- همان غنا- تفکیک کنند و به موسیقی‌های ساخته شده برای جنگ اعتباری بدهند. اما این کار به شناخت درونی از موسیقی و داشتن آموزش فنی در این زمینه ودرک پویا از این هنر نیاز دارد که در حوزه دانش‌معمول افراد تصمیم گیرنده دراین زمینه ،وجود نداشت. مشکل است که با دانش کلامی و فلسفی و تنها به صرف به کار گرفتن دقیق لغات در مورد اینکه یک اثر موسیقایی رزمی است یا نه، تصمیم گرفت. اگر از منظر جامعه شناسی هنری - و نه جامعه شناسی سیاسی- نگاه کنیم، می توانیم بگوییم که ما در تاریخ معاصر خود، آثاری از موسیقی انقلابی داریم ولی موسیقی جنگ را در شکل هنرمندانه آن نداریم. هنرمندانی که موسیقی پرشور انقلاب را آفریدند، در ماه‌های اولیه جنگ نیز همراه با مردم بودند. لطفی و علیزاده حتی به شهرهای جنگ زده هم رفتند و فضای جبهه را تقریباً لمس کردند. موسیقی جنگ، طبق تعریف و به واسطه ارتباطی که باید بتواند با عموم ایرانیان برقرار کند، باید موسیقی ای باشد فراگیر و ملی نه بومی/بدوی و نه مدرن و نخبه پسند. بویژه امروز که ۳۸ سال از پایان جنگ گذشته و موضوعیت تاریخی آن مهم‌تر از آن دوران، رخ می نماید.

ابتدا درباره نقش موسیقی در دوران دفاع مقدس توضیح دهید؟

میرزمانی: به عقیده من، عنوان دفاع مقدس، تیتر بامسمایی است و بررسی این واژه، بیانگر موسیقی آن دوران یا همان موسیقی جنگ و دفاع مقدس است. جنگی که سال‌ها قبل در ایران شکل گرفت، یک تهاجم بود و مردم عزیز کشورمان، برای دفاع از این آب و خاک، به مقابله با آن پرداختند. خود من نیز در آن سال‌ها و در جبهه‌های جنگ، از نزدیک شاهد بی‌قراری و عشق این مردم برای دفاع از سرزمینمان، ایران، بودم. اما هنر، بویژه موسیقی، تعریف خاصی از جنگ دارد. موسیقی نظامی یا موسیقی جنگ، در همه جای دنیا، برگرفته از موسیقی کراس است. موسیقی با همراهی ارکسترهای نظامی و با استفاده از سازهای بادی - برنجی. اما اکثر آثار موسیقایی تولید شده ما در دوران دفاع مقدس، فاقد این بخش بود. یعنی به ندرت از سازهایی چون ترومپت، هورن یا ترومبون و... استفاده می‌شد و موسیقی جنگی یا نظامی ما، رنگ لطیف‌تری داشت و فاقد خشونت و انزجار بود و روح حماسه در آثار آن زمان نمایان بود. در واقع با بررسی یا آنالیز آثار موسیقایی دوران دفاع مقدس، این نتیجه حاصل می شود که خشونتی در این گونه موسیقی نیست و از لطافت خاصی هم برخوردار است. اما درعین لطیف بودن، مخاطب را به مبارزه و ایستادگی در مقابل تهاجم دعوت می‌کند. در آن دوران موسیقی نقش بزرگ و اثرگذاری در تهییج و ترغیب و تشویق رزمندگان و حتی حضور مردم در جبهه‌های جنگ ایجاد می‌کرد و انتشارسرودها و مداحی‌های حماسی و ملی- میهنی، موجب می‌شد مردم عزیز کشورمان به‌صورت خودجوش راهی جبهه‌های جنگ علیه باطل شوند. البته به عقیده من، یکی از گروه‌های بسیار موفق در تولید موسیقی فاخر دوران دفاع مقدس که نقش ارزشمندی در این زمینه داشت، ارکستر «مفتاح» به رهبری زنده‌یاد مجتبی میرزاده بود. ایشان آثار بسیاری با هنرنمایی آقای محمد گلریز و آهنگسازی زنده‌یاد آقای احمد راغب و با اشعاری از زنده‌یاد استاد حمید سبزواری تولید کردند که به باور من متأسفانه این بخش مغفول ماند. مجتبی میرزاده یکی از نوابغ موسیقی ما بود که قدر و منزلتش بدرستی شناخته نشد. البته در خصوص ارکسترمفتاح هم این نکته صدق می‌کند. این ارکستر در آن سال‌ها در سکوت به فعالیت خود پرداخت و کمتر درباره آن صحبت شده است در صورتی که بسیاری از آثار به یاد مانده از آن دوران مانند سرود «این پیروزی خجسته باد» که مربوط به عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر است، با همراهی این ارکستر به اجرا درآمده وهمچنان ماندگار و شنیدنی است. دراین ارکستر از سازهای بادی- برنجی استفاده نشده است و ارکستر با بهره‌گیری از سازهای ویولن، سنتور، تار و عود و گاهی ساز فلوت با لطافت خاصی این پیروزی را نوید می‌دهد. یک ارکستر سنتی و ایرانی که روح حماسه در تولیدات آنها دیده می‌شود.

گلریز: درصحبت‌های آقای میرزمانی به آقای مجتبی میرزاده اشاره شد و باید بگویم ایشان به آهنگ‌های آقای راغب، جلا و جلوه خاصی دادند و وظیفه خود می‌دانم از هنر ایشان در هر برنامه‌ای سخن بگویم؛ نابغه‌ای که فکرنمی کنم ۵۰ سال دیگرهم چنین هنرمندی متولد شود.

اما در مورد موسیقی حماسی و دفاع مقدس باید بگویم از نگاه من موسیقی حماسی و ملی مورد توجه همه اقشار و مردم است. برخی از کارشناسان موسیقی کشورمان که تعدادی از آنها روحانی هستند، چندان با موسیقی سر و کار ندارند و شاید هم این هنر مورد تأییدشان نباشد، اما موسیقی حماسی و ملی مورد تأیید همگان است و در این زمینه هنرمندان بسیار ارزنده و کاربلدی هم فعالیت می‌کنند ولی باید تدبیری صورت بگیرد تا همه مردم به شنیدن موسیقی خوب و اصولی علاقه‌مند شوند و گرایش پیدا کنند؛ به طورمثال اگر من نوعی بخواهم در یک مجلس یا مراسمی سرودی بخوانم، بهتراست شعری انتخاب و خوانده شود که مورد توجه همه اقشار باشد.

متأسفانه امروزه در رابطه با موسیقی ارزشی ما یک مقدار کم‌لطفی شده و باور

میرزمانی:
در حال حاضر جایگاه موسیقی حماسی ما خالی است باید بیشتر به آن توجه و پرداخته شود. موسیقی حماسی ما باید دارای هویت ملی باشد. به باور من، امروز زمانی است که باید به هویت خود و هویت ملی و اسلامی‌مان برگردیم

اکثریت این است که این موسیقی کاربرد خود را از دست داده است. این درحالی است که اثری که ۴۰ سال قبل ضبط و منتشر شده همچنان برای مردم شنیدنی است و آن را زمزمه می کنند و این اتفاق بیانگر ماندگارماندن یک اثرهنری است و باید در این شرایط سخت که تحت تأثیرشدیدترین تبلیغات رسانه‌ای هستیم به این مسأله توجه بیشتری داشته باشیم. براین اساس، یکی از مسائل اثرگذار در زمینه تهاجم فرهنگی، موسیقی است؛ به طورمثال وقتی فیلم یا سریال‌هایی همچون «مختارنامه» یا «امام علی(ع)» و... به پایان می‌رسید، موسیقی متن آن در اذهان مردم ماندگار بود، صحنه‌های فیلم در ذهن مخاطب تداعی می‌شد. نکته دیگر اینکه، در حال حاضرموضوع سرود، مورد توجه مسئولان، رسانه‌ها و سازمان‌ها قرار گرفته و به آن ورود کرده‌اند و خوشبختانه حمایت می‌شود. سرود بخشی از همین موسیقی حماسی است که در جنگ بسیار تأثیرگذار بود. خدا را شاکرم این توفیق نصیب ما شد و توانستیم مدت زمانی در حضور رزمنده‌های عزیز کشورمان اجرای برنامه داشته باشیم. اجراهایی که مورد استقبال قرار گرفت و ابراز ارادت داشتند. درواقع هرگاه پای خاک یک سرزمین در میان باشد، همه مردم عاشقانه مشارکت می‌کنند. خواهش من از دست اندرکاران این است که به موسیقی حماسی بیشتر پرداخته شود. این گونه موسیقی، اثرات بسیار زیادی در دوران دفاع مقدس و جنگ داشته است.

مهدوی: من هم وظیفه دارم نام نابغه موسیقی ایران مجتبی میرزاده را یادآوری کنم. ایشان در تنظیم یک اثر موسیقایی شاهکاربود. پوشش و نوع رنگ آمیزی ایشان درانواع موسیقی موجب شد این آثار امروزه هم شنیدنی باشد و یک حس عرق ملی به آن داشته باشیم. اما درباره موسیقی حماسی و دفاع مقدس باید بگویم، قبل ازانقلاب گونه‌های دیگرموسیقی فعالیت می‌کردند و مردم از صدای موسیقی انقلاب و بعد از آن جنگ تحمیلی بوجود آمده متأثر ازانقلاب، تجربه‌ای نداشتند. ازسال ۱۳۵۶ تا پس ازپیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های موسیقی تلاش کردند در گونه‌های مختلف موسیقی‌های دستگاهی، پاپ، تلفیقی، ارکسترال، آکاپلا، سرود و... اثربیافرینند. بطورمثال دربخش سرود شخصیت‌هایی چون حمید شاهنگیان، محمدعلی ابرآویز، فریدون خشنود و ... آثاری خلق کردند که امروز باید بانوربالا به دنبال چنین سرودهایی بگردیم و در نسبت‌سنجی با سرودهایی که درحال حاضرخوانده می‌شود، تفاوت از زمین تا آسمان است. آن سرودها به لحاظ ساختار و موسیقی‌شناسی و محتوا، ارزش مدارند. اما آثاری که امروزه به‌عنوان سرود تولید می شود، مشخص نیست در چه فرم وقالبی قرار دارد. پاپ است یا سرود؟ یا چه گونه‌ای ازسرود است؟ مداحی است؟ براین اساس دراین زمینه باید کارشناسان درشوراها بررسی‌های لازم را داشته باشند. به هرشکل متأسفانه نام سرود دم دستی شده است! همان گونه که از اول انقلاب هرآنچه تولید شد، سرود اطلاق شد و در دهه ۶۰ این اتفاق درصدا وسیما نهادینه شد. بنیاد این اتفاق در ابتدای انقلاب و با گروه های مختلف موسیقی چون عارف و شیدا و یا جناح های مختلف سیاسی گذارده شد و محتوای آنها حماسه آفرینی بود. چرا که آن دوران، اقشارمختلف جامعه به خیابان‌ها آمدند و متحدالفکر خواستار تغییر نظام کشور از پادشاهی به جمهوریت بودند. براین اساس موسیقی‌هایی که تولید شد مبتنی برتفکر ایران حقیقی است و گاه با پسوند اسلامی است. براین اساس ازموسیقی دستگاهی بهره‌های بسیاری برده شد و شعرا و ترانه‌سراها درکنارموسیقی‌دانان، نوازنده‌ها وآهنگسازان قرارگرفتند و یک شکل امت‌واحده پیدا کرد.

البته قبل از انقلاب هم موسیقی حماسی و سرود وجود داشت ولی نه بدین شکل و محتوا و بعد ازانقلاب اعتباردیگری گرفت و این انگیزه بوجود آمد که دیگرموسیقی‌دانان و گونه‌های مختلف موسیقی هم دراین مقوله قراربگیرند وتولید اثرکنند. به همین سبب هرآنچه بعد از انقلاب تولید و شنیده شد وهمچنین در دوران جنگ، هزاران سرود و آهنگ ترانه است که براساس حماسه ساخته شده. حتی اگر تغزلی عاشقانه بوده باشد.

نکته دیگراینکه همان‌طورکه آقای میرزمانی اشاره کردند، موسیقی حماسه دراین دوران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و معنایی دوباره شد که متفاوت از حماسه قبل بود. پیش ازاین حماسه‌ها را در اشعار فردوسی یا در حرکت‌های رزمی و یا موسیقی زورخانه جست وجو می کردیم، اما این باردرموسیقی بزمی، حماسه‌آفرینی شکل گرفت. یعنی موسیقی ملی یا دستگاهی ایران مبتنی برتفکرات انقلابی و حماسه، شهادت، جنگ، ایثار و ازخودگذشتگی بود. بخشی ازاین موسیقی‌ها برگرفته ازمارش‌هایی بود که درجنگ‌های جهانی اول ودوم و در اروپای شرقی استفاده می شد. اما بعدها برخی از آهنگسازان کشورمان از سازهای بادی و غیره بهره بردند و آثاری ساخته و از رادیو و تلویزیون پخش شد. مردم هم با این مارش‌ها آشنایی داشتند و آن را پذیرفته بودند و هرگاه مارشی به صدا در می آمد می‌دانستیم عملیات جنگ است و برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا می کردند. درحقیقت مارش‌ها و سرودها موجب تهییج روحیه رزمندگان بود که درچند بخش تعریف می شد. بخشی از آن بی‌کلام بود و بخشی دیگر برگرفته از گونه‌های مختلف موسیقی ایرانی اما در لباس حماسی. بخش سوم مداحی‌ها بود مانند صدای ماندگار آقای آهنگران که حقیقتاً گل کاشت. همان‌طورکه آقای گلریز گل کاشتند. به عقیده من اگرحماسه‌ای درست و مبتنی بر تفکرات مردمی و درقالب حقیقی فرهنگ ایثار وشهادت و جنگ و انقلاب شکل بگیرد، مختص یک دوره نیست. بطور مثال امروزه می بینیم بعد از گذشت ۴۵ سال، سرود زیبای «راه رجا بسته نیست» با تلفیقی از صدای آقای گلریز و خواننده‌ای دیگر تولید شده و از صدا و سیما پخش می شود و بیانگراین موضوع است که چنین آثاری زمان و تاریخ ندارد و درهمه دوران‌ها شنیدنی است و هردولت خدمتگزاری مثل شهید رئیسی که تفکر شهید رجایی را دنبال کرده، این موسیقی باز هم کاربرد خود را دارد. حتی اگر با سازهای امروزی به‌روزآوری‌هایی صورت بگیرد اما ماهیت همان است و تغییر نخواهد کرد. مانند مداحی‌ها، روضه خوانی‌ها و اذکار و سینه‌زنی‌هایی که درجبهه‌های جنگ با حضور مداحان به اجرا درمی‌آمد. این بخش هم شاخه‌ای منشعب شده ازموسیقی حقیقی و حماسی است که بسیار پررنگ جلوه گری کرد و در تهییج رزمندگان موثر واقع شد. باید بگوییم موسیقی حماسی همچنان زنده است و اگربه هر موسیقیدان موافق و یا مخالف سفارش داده شود به واسطه روحیه حماسی طلبی برای ایران، علاقه‌مند هستند دراین زمینه قلم بزنند وتصنیف کنند و بخوانند.

آیا تولید موسیقی‌های حماسی که مربوط به دوران جنگ و دفاع مقدس است به دوران خاصی برمی‌گردد؟

میرزمانی: به نظرمن نیاز است در موسیقی کشورمان یک آسیب شناسی جدی صورت بگیرد. بعد از انقلاب موسیقی ملی ما شکوفا و رویکرد به این موسیقی بیشتر شد و جایگاه اصلی خود را پیدا کرد. بعد از جنگ و دفاع مقدس هم موسیقی ملی جلوه بیشتری پیدا کرد و آثار ارزشمندی تولید شد، اما جای تأسف است که بگویم در حال حاضر در مسیری قرار گرفته‌ایم که به عقیده من خواست دشمن است. کشوری چون امریکا سال‌ها در این افکار بود مرزها بویژه مرزهای فرهنگی برداشته شود؛ همان دهکده جهانی که در رؤیای خود دنبال آن بود. بنابراین همین امر موجب شده امروزه موسیقی ما بی‌هویت شود و این موضوع در بسیاری از موسیقی فیلم‌ها، سرودها و حتی مداحی‌هایی که به گوش می‌رسد کاملاً مشهود بوده و هویت فرهنگی و هویت ایرانی اسلامی در این آثار بسیار کمرنگ شده است، بویژه در رسانه‌ها. براین اساس برای رسیدن به این هویت، باید موسیقی ملی ما شکوفا شود و یک بخش این شکوفایی خاطرات ملت است که انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس را هم دربرمی‌گیرد و این خاطرات باید همیشه زنده نگاه داشته شود، بویژه در این روزگار.

میزگرد «ایران» در خصوص بررسی محمد میرزمانی، محمد

هویت ملی رو

میزگرد

ندا سیجانی
خبرنگار

بیش از۴۰ سال از سالروز آزاد سازی خرمشهر می‌گذرد و نزدیک به ۳۷ سال از پ تلخ و شیرین آن فراموش نشدنی است و تصاویرآن روزهای سخت جنگ، همچ هنررنگِ دیگری گرفت. هنرمندانی که از سرعشق و اشتیاق، عاشقانه به خلق اثر و روزگار آن را همچنان مانا نگاه دارند. آثاری که در قالب‌های موسیقی، فیلم، سریال این اساس بهانه‌ای شد تا با هنرمندان موسیقی که در آن سال‌ها اثر تولید کردند گلریز خواننده و رضا مهدی نوازنده و کارشناس حوزه موسیقی به گفت‌وگو بنش درخصوص جنگ و انقلاب سخن بگوییم که در ادامه می خوانید:

آثار بسیار کم‌نظیری در این زمینه تولید شده که متأسفانه کمتر به آن پرداخته می‌شود. من بر این نظرم، الگوها و اسوه‌ها و حماسه‌آفرینان بزرگ و مضامین بسیار باارزشی از دوران دفاع مقدس و انقلاب اسلامی باقی مانده که باید شکوفا و این خاطرات یادآوری شود و بهترین ابزاری که می‌تواند این بخش از تاریخ را روایت کند زبان هنراست. چه در حوزه سینما و فیلمنامه‌نویسی و تولید آثار سینمایی و چه در حوزه‌های ادبیات، شعر، موسیقی، تجسمی و نمایش. البته به عقیده من، موسیقی دارای زبان گویاتری است و مخاطبان بیشتری را جذب می‌کند. در حال حاضر جایگاه موسیقی حماسی ما خالی است باید بیشتر به آن توجه و پرداخته شود. موسیقی حماسی ما باید دارای هویت ملی باشد. به باور من، امروز زمانی است که باید به هویت خود و هویت ملی و اسلامی‌مان برگردیم و سنگین‌تری دارند که باید به آن عمل کنند. من بر این نظرم ذائقه مردم را بانیان فرهنگی تغییر داده‌اند و اگر به مرور به آن پرداخته نشود، آرام آرام فراموش می‌شود. موضوعی که مورد توجه دشمنان است و هدفشان این است که از طریق فرهنگ وهنربه مقابله با ما بپردازند. بر همین اساس، مسئولان فرهنگی باید در میدان باشند و این مسیر را برای آنها بازنگذارند. سؤال من از دوستان این است، چرا در جشنواره‌ای با عنوان موسیقی فجر از آثار انقلابی استفاده نمی‌شود؟ چرا باید از یک اسم انقلابی استفاده کنیم اما درعمل کاری انجام نگیرد؟ چرا نباید آثاری در رابطه با شهدای انقلاب اجرا شود؟ این انتظاری است که از رسانه‌ها باید داشت و نیاز است در این زمینه حمایت‌های لازم را داشته باشند. خود من به شخصه برای همه شهدا کار خوانده‌ام چرا این سرودها پخش نمی‌شود؟

مهدوی: واقعیت امر این است که سرود نیاز به حمایت دارد. بر این اساس اگر مدیران را از کارشناسان خبره انتخاب